

تئاتر می تواند متعلق به قرن ما باشد

تئاتر مدرن، از آن کدام قرن است؟ تئاتر مدرن در بناهای اپرای قرن گذشته منزل کرده است. تئاتر مدرن، در شلوغ‌ترین مراکز تئاتری دنیای غرب، ناگزیر به بناهای اجاره‌ای و کوچه‌های متروک عقب‌نشینی کرده است. حال آنکه، رونق کاخهای سینمایی، هر روز بیش و بیشتر می‌گردد.

کاخ سینمایی را ادبوسیتی، سبیل تئاتر مردمی امروز است. وقتی تماشاگر به این بنای عظیم پا می‌گذارد، در صحنه‌ای يك بعدی، دنیای جادویی و شگفت‌انگیزی می‌یابد. دانشها و تکنولوژی جدید حوزه تصور را امروز رعایی بیشتری می‌بخشند. با استفاده از وسایل تکنیکی نوینی که حاصل پژوهشند، فیلم می‌تواند آسمان و زمین وزیر دریاها را بکارد. فیلم می‌تواند پیام خود را به هر گوشه‌ای از سالن سینما برساند: می‌تواند آنها را نیز که در دورترین فاصله از پرده نشسته‌اند، شامل شود، و با

بهره‌گیری از کلوزآپ، بالا بردن صداها، موسیقی و افه‌های صوتی دیگر،
تأثیر عمیقی در بینندگان برجای گذارد.

اما وقتی تماشاگر به تماشای يك نمایش می‌نشیند، بازیگران و
صحنه‌ها را در همان سطح غیر خلاقانه که از دوران نوزایش تاثر در قرن
شانزدهم به‌جامانده است، بر پیشخوان صحنه‌های مکعب چوبین می‌یابد.
اوج شکوه تاثر، در کمدی‌های موزیکال است. در یفاکه شکلهای قدیم
در جهان جدید، تا به این حد تغییر نیافته باقی مانده‌اند. پس چگونه ممکن
است که جوهر و زیبایی شعری نمایشهای ما از روال زندگی منحول ما،
واپس نماند؟ در زمینه تاثر، آخرین اختراع مهم صحنه‌گردان بود که
نخستین بار در خلال سالهای دهه ۱۸۵۰ به کار گرفته شد؛ و امروز در
نمایشهای کمدی-موزیکال از آن استفاده می‌شود! صحنه محدود تاثر
ناتورالیستی که نمایشهای خانگی را در آن محصور می‌ساختند، تاکنون
بی‌تحرك برجای مانده است. این صحنه نه گسترش می‌یابد، نه حرکت
می‌کند، نه باز می‌شود و نه در آن دگرگونی به وجود می‌آید. نمایشنامه-
نویس ما، در این چارچوب محدود و غیر قابل تغییر باید شرایط توفانی،
دگرگونیهای عظیم، سقوط امپراتوریها و انقلابها را منعکس سازد.
نکنیک جدید، همه چیز را تغییر داده است: شیوه جنگیدن، رفتار و حتی
طرز تفکرمان را. همه چیز جز صحنه در حوزه این تغییر قرار گرفته‌است.
حتی شکسپیر که قسمتهای مختلف صحنه را برای جادادن دنیایی، فارغ
از محدودیت زمان و مکان معین، مورد استفاده قرار می‌داد، در مقایسه
با کارگردانان جدید ما، انقلابی است. او بیشتر از کارگردانان مدرن امروز
به قرن ما نزدیک است!

تحقیق در زمینه صدا، امکانات غیر قابل‌نصوری در جهت استفاده از
افه‌های صوتی و موسیقی تاثری، فراهم می‌آورد. تصاویر فیلمی-عناصر
رنگی، تغییر متقابل میان نور و نور فیلمی در صحنه، و سخن کوتاه،

موتوربزه کردن کامل صحنه، در شمار راههایی هستند که کشفیات خلاق دانشهای جدید می توانند در پیش پای نمایش قدیمی بگذارند. چه می شد اگر ساختمان کاملاً نوینی ارائه می شد که در آن، صحنه يك هاشین بازی (۱) بود: دنیای شگفت انگیزی که در آن اندیشه ها با هم در سنبل باشند؟ یا حتی تماشاگران را در سالن گردان (۲) قرار می دادند و از این طریق، به گونه ای پویا، نوهم ایستای صحنه کنونی را از میان بر می داشتند؟ منظور من این نیست که تکنیکهای جدید رهایی بخشنده ثناقتند. من صرفاً مدعیم که این تکنیکها، از طریق رها ساختن قدرتهای خلاق نمایشنامه نویس - کارگردان و بازیگر، می تواند محتوای دراماتیک جدیدی ارائه کند.

میر هولده (۳)، هنگامی که تحت فشار ضرورتهای فرمهای تازه در بیان اندیشه های جدید فرار گرفت، با تحمیل عملیات آکروبانیک بر بازیگران کوشید صحنه ایستای قدیمی را از میان ببرد. او به جای اینکه صحنه را آزاد کند، بازیگران خود را به درون سیستم بیومکانیک راند که اغلب موجبات تحریف شیوه بیانی او را فراهم می ساخت. مثلاً، در تناثر میر هولده، اگر يك بازیگر هنگام پایین آمدن از پله ها ناگزیر به بیان مونولوگی طولانی بود، محدودیتهای فیزیکی مانع اجرای طبیعی می شد. به همین سبب، میر هولده بازیگر را به انجام عملیات محیر العقول که متناسب با فرود آمدن از پله ها بود، وامی داشت.

لیکن ما باید بیاموزیم که با از میان بردن محدودیتهای صحنه سنتی، پله را باحرکنهای طبیعی انطباق دهیم. ما باید چنان هنرمندان آزادی بانیم که از ویژگیهای فیزیکی صحنه، به همان راحتی که يك نقاش رنگها را بر روی تخته شستی خود به هم می آمیزد، بهره گیری کنیم.

- 1- Play-machine
- 2- Turntable
- 3- Meyer Hold

از این طریق است که می‌توانیم از صحنه گردان، صحنه متحرکی که می‌تواند فرو رود و برآید، پلکان متحرک، پله‌های موتوربزه و حتی آسانسور، استفاده کنیم. فیلم و تلویزیون نیز می‌توانند توأمأً برای کلوزآپهای نشانی به کار گرفته شوند. تصویرش را بکنید که این ترکیب، چه امکاناتی را در زمینه‌های روانشناختی و حماسی، فراهم می‌آورد! بدین سان، تضاد میان افکار بیان شده‌ای که در سطحی آگاهانه جریان دارند و افکار ناخودآگاه، آشکار می‌شود. مونولوگها را می‌توان تصویر کرد، سخنان شخص با خوبستن خویش می‌تواند تجلی‌های بیرونی پیدا کند؛ و به عبارت بهتر، بازیگر می‌تواند با تصویر خود بر صحنه سخن بگوید. به تصویر درآوردن حرفهای خارج از متن، (۱) ریشه‌یابی انگیزه‌ها، تمامی این‌ها را می‌توان از طریق قرار دادن عوامل بسیار بعدی (۲) (تصویر کردن دنیای بیرونی) در تقابل با عوامل انسانی (بازیگران بر صحنه، و صحنه) به دست آورد. برای خلق فضای تخیلی، زمینه متحرک یا همسرایان، می‌توان از فیلم بهره گرفت. به عبارت دیگر، می‌توان از فیلم برای وقفه‌گذاری، پیشگویی و فلسفه‌پردازی سود جست.

این نمونه‌ای است از تئاتر کاملاً جدیدی که امکان وجود دارد، تئاتری که واقماً از آن عصر ما خواهد بود. تئاتر می‌تواند بار دیگر در زندگی توده‌های وسیع مردم نقش ویژه‌ای پیدا کند. همانگونه که تئاتر یونانی داشت. تئاتر می‌تواند بار دیگر جایی باشد برای خلق اعجاب از طریق تمثیل حقیقت. آموزشی که تماشاگران توسط فیلم دیده‌اند، می‌تواند به خدمت پیروزیهای عظیم در این زمینه درآید. با گسترش پس-زمینه تئاتر، تاریخ و زمان را می‌توان در سطح بهترین زمانها و باحتی و قابع روزنامه‌ها، حماسی کرد. سه‌لبیم تجربیدی که تئاتری برای تعدادی اندك به وجود

1- asides

2- over-dimesional

می آورد؛ می تواند جای خود را به هجوم روشنگر و هیجان انگیز گونه جدیدی از رسالیم بدهد. بدین سان، به آگاهی و خلاقیت بازیگران، انگیزه های نوین داده می شود و تماشاگران شایسته به تئاتر بازگردانده می شوند، و آنگاه، تئاتر مدرن عظیمی گام در راه تکامل خواهد نهاد. آیا این امر، صرفاً تخیل است؟
چهبسا تخیلاتی که واقعیت را آفریده اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی